

مطالعه برساخت معنایی پدیده ایدز در سریال «پریا»

اعظم راودراد^۱، عاطفه آقایی^۲

تاریخ دریافت ۹۶/۱۰/۲۹ تاریخ تأیید ۹۷/۱/۲۱

چکیده

پدیده ایدز یکی از مسائل مهم در حوزه سلامت است. اما معنای آن در جهان اجتماعی فراتر از یک بیماری است. رسانه‌ها به خصوص تلویزیون در برساخت معنایی پدیده ایدز نقش مهمی دارند. حال پرسش این است که در سریال «پریا» محصول ۱۳۹۵، چه گفتمان‌هایی در مورد پدیده ایدز وجود دارد؟ چه گفتمانی مسلط است؟ و در نهایت آیا این سریال توانسته از داغ ننگ آن بکاهد؟ برای پاسخ به این سوالات از پارادایم‌های علوم اجتماعی در مواجهه با پدیده ایدز کمک گرفتیم. روش تحقیق، تحلیل گفتمان لاکلا و موفه بوده و نتایج نشان داد دو گفتمان رقیب «تبرئه فرد اچ.آی.وی. مثبت» و «طرد فرد اچ.آی.وی. مثبت» در این سریال با هم تقابل دارند. در نهایت هرچند این سریال تلاش کرده در جهت انگ زدایی حرکت کند، اما ابتلا به اچ.آی.وی. در پارادایم ریسک رفتاری برساخت شده و نقش ساختارهای اجتماعی نادیده گرفته می‌شود. به همین دلیل، گفتمان «تبرئه» با دال مرکزی «قربانی بودن فرد اچ.آی.وی. مثبت» با تقسیم بیماران به قربانیان و گناهکاران، داغ ننگ ایدز را تقویت می‌کند.

واژگان کلیدی: ارتباطات سلامت، تحلیل گفتمان، برساخت معنایی، داغ ننگ

۱- استاد گروه ارتباطات دانشگاه تهران

۲- دانشجوی دکتری ارتباطات دانشگاه تهران

ravadrad@ut.ac.ir

atefeaghaee@ut.ac.ir

بیان مساله

یکی از مسائل مهم در ایران شیوع اچ. آی. وی است. بسیاری از افراد جامعه تنها از طریق رسانه‌ها با پدیده ایدز آشنا شده‌اند. بنابراین معنایی که رسانه‌ها از پدیده ایدز بر ساخت می‌کند، می‌تواند شناخت مخاطبان را شکل داده و کنش‌های اجتماعی آنان را هدایت کند. مسئله این مقاله نیز نحوه مواجهه تلویزیون با شیوع اچ. آی. وی. و بر ساخت معنایی از آن است. اهمیت رسانه‌ها در مواجهه با پدیده ایدز وقتی آشکار می‌شود که بدانیم شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه به نحوی است که گروهی از صاحب‌نظران هشدار دادند که مسائل فرهنگی باعث شده بخش پزشکی و بهداشتی نتواند به صورت گسترده بسیاری از مسائل را آموزش دهد، زیرا تصور می‌شود رفتارهای پرخطر اشاعه می‌شود (مدنی، ۱۳۹۵).

در تحقیقات مختلفی مسائل اجتماعی مربوط به پدیده ایدز مورد مطالعه قرار گرفته است. از جمله ملا اسمعیل شیرازی و همکاران (۱۳۹۱) از طریق مصاحبه با زنان اچ. آی. وی. مثبت به این نتیجه رسیدند که مهمترین پیامد داغ ننگ برای این زنان تحریم و طرد اجتماعی بوده است که در نهایت منجر شده آنان وضعیت خود را پنهان نگاه دارند. از این تحقیق می‌توان نتیجه گرفت در صورتی که رسانه‌ها در رفع داغ ننگ اچ. آی. وی. تلاش نکنند، پیامدهای این داغ ننگ منجر می‌شود که ویروس به دلیل پنهان کاری در لایه‌های زیرین جامعه شیوع بیشتری پیدا کند. بنابراین لازم است قدرت ارتباطی رسانه‌ها برای آموزش و اطلاع رسانی به مخاطبان مورد توجه قرار گیرد. رسانه‌های جمعی می‌توانند برای تاثیر بر نگرش و تغییرات رفتاری مرتبط با پدیده ایدز استفاده شوند (برتاند، ۲۰۰۶)^۱. در واقع مهمترین نقش‌هایی که برای رسانه‌های گروهی در این رابطه مطرح می‌شود؛ عبارتند از: اطلاع رسانی و آگاهی، فراهم کردن زمینه آموزش مداوم، کمک به رشد فرهنگی و فکری جامعه، ایجاد روحیه مشارکت و همکاری برای برنامه‌های توسعه (راندال، ۱۳۸۲).

با اینکه بر نقش آموزشی رسانه‌ها درباره این موضوع تاکید شده، اما عملکرد رسانه‌ها چندان مناسب نبوده است. عزتی (۱۳۹۰) در پژوهشی نشان داد از نظر مشارکت کنندگان در تحقیق رسانه‌های جمعی منبع مناسبی برای کسب اطلاعات در مورد پدیده ایدز نبودند. الوندی (۱۳۸۶) نیز بر این نکته تاکید می‌کند که گاهی بازنمایی تولیدات رسانه ای از واقعیتی به نام اچ. آی. وی. می‌تواند آثار نامطلوبی را برای جامعه به بار آورد. پژوهشگر با تاکید بر مواردی مانند اصول گزارشگری پدیده ایدز پیشنهاد می‌دهد که لازم است زبان استفاده شده در رسانه‌ها در

1 Bertand

2 Randall

مورد این پدیده اصلاح شود. بنابراین، با توجه به مخاطب گسترده تلویزیون، دردسترس بودن آن و جذابیت سریال‌های تلویزیونی، در این مقاله سریال «پریا» را که آخرین محصول تلویزیونی ایران در مورد پدیده ایدز است، مورد مطالعه قرار می‌دهیم. سوال این است که در سریال «پریا» چه گفتمان‌هایی در مورد پدیده ایدز وجود دارد؟ چه گفتمانی مسلط و چه گفتمانی در حاشیه است؟ این برساخت معنایی در کدام پارادایم علوم اجتماعی قرار می‌گیرد؟

پارادایم‌های علوم اجتماعی در برساخت پدیده ایدز:

تاریخ تفکر و مطالعات اجتماعی ایدز نشان می‌دهد که در علوم اجتماعی سه پارادایم فکری در مواجهه با پدیده ایدز شکل گرفته است: رویکرد ریسک رفتاری، رویکرد معنای فرهنگی (برساخت گرایی اجتماعی) و رویکرد ساختار اجتماعی (برساخت گرایی اجتماعی رادیکال). هر کدام از این سه پارادایم نشان می‌دهند که چطور پدیده ایدز برساخت می‌شود و این نوع برساخت معنایی چه پیامدهایی را رقم می‌زند.

پارادایم ریسک رفتاری بر مولفه‌های رفتاری منجر به آلودگی در میان گروه‌ها و افراد متمرکز بوده و به نوعی از پرداختن به عوامل و بسترهای اجتماعی و فرهنگی مسئله غفلت کرده است. این پارادایم با رویکرد فردگرایانه و تقلیل گرایانه پزشکی زیستی منطبق است و بر مولفه‌هایی چون جنسیت و رفتارهای جنسی تاکید می‌کند (قاضی طباطبایی و همکاران، ۱۳۸۵). رویکرد پزشکی زیستی، با نگاه تقلیل گرای به بیمار می‌نگرد: بدن یک ماشین است که باید تعمیر و ترمیم شود تا به حالت اولیه خود بازگردد (کوالتر بارچر^۱، ۲۰۱۱). همانطور که از رویکرد پزشکی زیستی بر می‌آید، پزشکی در این رویکرد بیماری را تنها در حوزه فیزیولوژیک آن درک می‌کند و روایت و پیشینه بیمار و معنای برساخت شده از بیماری در جامعه مد نظر قرار نمی‌گیرد.

دوم رویکرد معنای فرهنگی (برساخت گرایی اجتماعی - فرهنگی): این رویکرد نشان داد بی توجهی به تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی و تلقی صرفاً رفتاری از مسئله اچ‌آی‌وی. در واقع دست کم گرفتن ابعاد چندگانه آن است. این پارادایم بر معنای فرهنگی و اجتماعی، نمادهای فرهنگ، نظام معنی دهی و خرده فرهنگ‌ها تاکید کرده و هویت اجتماعی را به مثابه یک برساخت اجتماعی در نظر می‌گیرد. در این رویکرد مفهوم «داغ ننگ ایدز» به مثابه یک برساخت اجتماعی - فرهنگی از جامعه ای و فرهنگی به فرهنگ دیگر متغیر است (قاضی طباطبایی و همکاران، ۱۳۸۵). این رویکرد اشاره به این موضوع دارد که که ذهن و بدن در کنار یکدیگر، سلامت و بیماری را تعیین می‌کنند. در واقع بدن، تجلی خارجی واقعی ذهن است و

اینکه بدن از ذهن جداناپذیر است (مسعودنیا، ۱۳۸۹: ۱۰۲).

اما پارادایم ساختار اجتماعی (برساخت گرای اجتماعی رادیکال) تاکید می‌کند مسئله ایدز با عوامل ساختاری اجتماعی موثر بر افراد، گروه‌ها و جوامع مرتبط بوده و قویا با ساختار اجتماعی، مفهوم قدرت و اقتصاد سیاسی پیوند دارد. این پارادایم در واقع پارادایم دوم را با رویکردهای ساختاری / اقتصاد سیاسی ترکیب می‌کند. در این پارادایم عوامل ساختاری مثل فقر، استعمار اقتصادی، تحریم اجتماعی، قدرت جنسیتی، تعدی جنسی، نژاد، طبقه اجتماعی، تحصیلات و ... مورد توجه هستند. کاکرهام^۱ در این رویکرد نشان داد چطور بسیاری از مسائل مرتبط با سلامتی، از جمله ایدز دارای ریشه‌های اجتماعی و ساختاری است (قاضی طباطبایی و همکاران، ۱۳۸۵). آنچه به نظر می‌رسد برای فهم مسئله اجتماعی پدیده ایدز در جامعه ایران لازم است، اتخاذ رویکرد ساختاری در تاریخ پزشکی نسبت به این ویروس است.

روش شناسی تحقیق

این مقاله یک پژوهش کیفی است. در این مقاله برای تحلیل سریال و کشف معناهای برساخت شده از روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه استفاده شده است. لاکلا و موفه در کتابشان در بخش «مفصل بندی و گفتمان» از طریق تعریف مفصل بندی به تعریف گفتمان می‌رسند: «ما مفصل بندی را هر گونه عملی می‌دانیم که به تثبیت رابطه بین عناصر منجر می‌شود، به طوری که هویت این عناصر در نتیجه عمل مفصل بندی تغییر کند. کلیت ساختار یافته ای را که در نتیجه عمل مفصل بندی حاصل می‌شود؛ گفتمان می‌نامیم (لاکلا و موفه، ۱۹۸۵، به نقل از یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۱). عمل مفصل بندی، مستلزم تثبیت معنای تعدادی از نشانه‌ها پیرامون یک گره گاه است. مفهوم مفصل بندی در اینجا به معنای گردآوری اجزا مختلف و ترکیب آن‌ها در یک هویت جدید است (هوارث^۲، ۱۳۷۹: ۱۴۰). در این مقاله برای شناسایی صورتبندی‌های گفتمانی با استفاده از مفهوم مفصل بندی نشان می‌دهیم که چطور با ترکیب عناصر حول یک دال مرکزی گفتمان شکل می‌گیرد. نشانه‌های زبانی مربوط به پدیده ایدز در گفتمان‌های سریال تلویزیونی وقتی در یک مفصل بندی خاص قرار می‌گیرند، معنای مشخصی را در یک گفتمان برساخت می‌کنند.

همچنین لاکلا و موفه در تعریف شان از گفتمان اصطلاحات کلیدی دیگری نیز معرفی می‌کنند. از جمله وقته‌ها^۳ و عنصرها^۴. وقته‌ها دال‌هایی هستند که درون یک گفتمان مفصل بندی شده‌اند و موقتا به هویت و معنایی دست یافته اند. این معانی و هویت‌ها کاملا تثبیت

1 Cockerham

2 Howarth

3 Moments

4 Elements

شده نیستند و امکان تغییر آنها از طریق مفصل بندی‌های تازه وجود دارد (لاکلا و موفه، ۱۹۸۵، به نقل از یوگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۱). در شناسایی صورتبندی‌های گفتمانی مربوط به پدیده ایدز در این سریال تلویزیونی نیز ابتدا وقته‌های هر گفتمان شناسایی می‌شوند. آن‌ها حول یک دال مرکزی مفصل بندی شده و معنای خاصی را برساخت می‌کنند.

یافته‌های تحقیق

۱- خلاصه داستان سریال «پریا»

سریال «پریا» به کارگردانی حسین سهیلی زاده در تابستان ۱۳۹۵ از تلویزیون ایران پخش شد. داستان این سریال زندگی زن جوانی به نام پریا است. او به دلیل دل‌تنگی‌هایی که برای فرزندانش داشته به ایران بازگشته و قصد دارد حضانت آن‌ها را از همسر سابقش که یک قمارباز است، بگیرد. در این بین رابطه‌ای عاطفی بین او و پسر خاله اش، کیوان که چند سالی از او کوچکتر است شکل می‌گیرد.

از طرفی کیوان در همان شب ورود پریا به ایران برای اولین بار در یک اکس پارتی شرکت کرده و در آنجا به علت مصرف بیش از حد مواد بیهوش شده و یکی از مهمانان به نام شهرام به قصد کمک، دارویی به او تزریق می‌کند. به علت شکایت کیوان از شهرام، پزشکی قانونی یک سری آزمایشات برای کیوان می‌نویسد از جمله آزمایش اچ. آی. وی؛ اما جواب منفی است. اما وقتی کیوان و پریا ازدواج کرده و در ماه عسل به سر می‌برند خانواده کیوان از طریق همسر شهرام متوجه می‌شوند که شهرام در رابطه نامشروعی که با یک زن خیابانی داشته به اچ. آی. وی. مبتلا شده و احتمالاً ویروس را به کیوان هم منتقل کرده است. با مثبت شدن جواب آزمایش کیوان او دچار حمله‌های عصبی شده و ابتدا وضعیت اش را انکار می‌کند. مهمترین نگرانی کیوان از دست دادن پریا به خاطر ابتلا به اچ. آی. وی. است. اما پریا با راهنمایی پزشک متوجه می‌شود که شرایط زندگی با فرد اچ. آی. وی. مثبت چیست و به کیوان کمک می‌کند به زندگی امیدوار شود. کیوان تلاش می‌کند به زندگی عادی بازگردد، اما جامعه برخورد مناسبی با یک بیمار فرد اچ. آی. وی. مثبت ندارد. به خصوص همسر سابق پریا، حبیب از این ماجرا به نفع خود سود برده تا مانع دیدار پریا با فرزندانش شود. پریا در نهایت تصمیم می‌گیرد علیرغم میل باطنی اش از کیوان جدا شود. اما جواب آزمایش حاملگی پریا مثبت شده و طلاق منتفی می‌شود.

گفتمان‌های سریال «پریا»

در این سریال دو گفتمان می‌توان شناسایی کرد که عبارتند از :

جدول شماره ۲. گفتمان‌ها و دال‌های شناسایی شده برای سریال «پریا»

گفتمان	دال مرکزی
طرد فرد اچ.آی.وی. مثبت	فرد اچ. آی. وی. مثبت به مثابه تهدید
تبرئه فرد اچ.آی.وی. مثبت	فرد اچ. آی. وی. مثبت به مثابه قربانی

حوزه نزاع این سریال تبرئه / طرد است. این سریال اولین تلاش در نظام ارتباطی-رسانه ای ایران برای انگ زدایی از پدیده ایدز است؛ اما با تاکید بر ریشه‌های گناه آلود انتقال ویروس و مقصر جلوه دادن زنان در ایجاد آسیب‌های اجتماعی از جمله اعتیاد، طلاق و شیوع اچ. آی. وی، قابل نقد است.

اولین نحوه انتقال اچ. آی. وی. در این سریال از طریق رابطه جنسی نامشروع با یک زن است. هر چند مرد در طی سریال بارها به خاطر این رابطه تبرئه شده و در نهایت زن مسئول انتقال ویروس است. زن به مثابه عامل اصلی مشکلات اجتماعی، یا زن خیابانی ابتدای فیلم است که به عشق، ازدواج و تشکیل خانواده معتقد نیست و یا زنی که مسئولیت‌های زندگی زناشویی اش را به درستی انجام نمی‌دهد و مسئول خیانت همسرش است. مانند سکانشی که زندگی بهار و شهرام به روایت خودشان نقل می‌شود. این روایت مشخص می‌کند که دلیل اعتیاد و ابتلای به اچ. آی. وی بی مهری‌های بهار نسبت به شهرام بوده است. در واقع اگر زن به شوهرش رسیدگی می‌کرد، یا به درآمد شوهرش قانع بود، یا قبول می‌کرد که بچه‌دار بشوند، یا از خانه قهر نمی‌کرد و به همسرش اعتماد می‌کرد زندگی آن‌ها دوام می‌آورد. در هر حال دو زن عامل ابتلای شهرام به اچ. آی. وی هستند. زنی که خیابانی است و همسری که قانع نیست و نیازهای شوهرش را برآورده نمی‌کند. حتی تلاش‌های مددکار زندان برای جدایی بهار از شهرام بی‌نتیجه می‌ماند. مددکار تاکید می‌کند: «عامل همه بدبختی‌های شهرام شما هستید» و این مقصر بودن زن در ابتلای همسرش به اچ ای وی و اعتیاد بارها در فیلم تکرار می‌شود. در سکانشی، دلیل دیگری که برای مقصر بودن بهار مطرح می‌شود این است که از نظر طبقاتی از شهرام پایین‌تر بوده و شهرام حمایت مالی خانواده‌اش را از دست داده است. در واقع اگر او شایسته ازدواج با شهرام بود و یا شهرام از طبقه اجتماعی خودش همسری می‌گرفت هیچگاه به سمت اعتیاد و روابط جنسی نامشروع نمی‌رفت.

در سکانشی دیگر که کیوان از شهرام در مورد نحوه مبتلا شدنش به اچ.آی.وی. می‌پرسد،

شهرام می‌گوید: «بهار بود. اما همراه نبود. هیچ حرف مشترکی نداشتیم بزنیم... همه حرفهامون تبدیل می‌شد به جنگ و جدل... تنهایی آدم را ولگرد می‌کنه». در سکانسی دیگر حسین آقا که تلاش می‌کند پریا در کنار کیوان بماند و از او طلاق نگیرد، می‌گوید: «اگر شهرام هم زنش ولش نکرده بود این بلاها سرش نمی‌آمد».

حتی مسئولیت قماربازی‌های حبیب نیز به عهده پریا می‌افتد. در سکانس که پریا و مادرش در مورد حبیب و زندگی گذشته پریا صحبت می‌کنند، پریا می‌گوید که حبیب او و دو تا بچه‌ها را تنها می‌گذاشته و معلوم نبوده سرش کجا گرم بوده و آخر سر هم همه زندگی را پای قمار از دست داده است. مادر پریا در جواب می‌گوید: «به نظر من یه زن اگر بخواد می‌تونه خیلی چیزها را تغییر بده».

پریا: «مشکل شما این هست که فکر می‌کنید آدم باید هر شرایطی را تحمل کنه».

مادر پریا: «آره اگر واقعا همدیگر را دوست داشته باشن با هر شرایطی کنار می‌آن».

در هنگام پخش این سکانس، تلویزیون ایران پرسشی را برای مخاطبان برنامه پخش می‌کند: «مشکل حبیب و پریا چه بود؟ بیکاری یا نبودن عشق» در واقع با مطرح کردن این پرسش مشکل حبیب نه قماربازی و خلافکاری‌های او، بلکه بین بیکاری و نبودن عشق رقم می‌خورد و در این بین هم پاسخ در دیالوگ بین پریا و مادر او داده شده، مشکل نبودن عشق بین حبیب و پریا بوده است.

این سریال همچنین در مورد نحوه ابتلا به ویروس قضاوت کرده و بر گناهکار بودن افراد تاکید دارد. هم اچ. آی. وی از طریق رابطه جنسی نامشروع وارد داستان می‌شود و هم کیوان در یک مهمانی اکس پارتی به این ویروس مبتلا شده است. اما در این میان کیوان که به قول دوستش «پاستوریزه» بوده و از خانواده اصیل و با ایمانی است، عاقبت خوشی دارد. سایر افراد مبتلا به خاطر گناهکار بودنشان نجات پیدا نمی‌کنند؛ از جمله زن خیابانی که تصادف کرده و می‌میرد. شهرام هم زندگی سختی دارد و در نهایت با تزریق مواد خودکشی می‌کند.

همچنین بر تقابل ایمان/ بی‌ایمانی در رابطه با پدیده ایدز تاکید می‌شود. در سریال زوج ایده‌آلی که زندگی زناشویی مناسبی داشته، انسان‌های کاملی بوده و به دیگران کمک می‌کنند، گلی و علیرضا هستند که یکی مشاور خانواده و دیگر حقوقدان است. در چهره پردازی و طراحی لباس آن‌ها می‌توان نشانه‌های تعلقات مذهبی‌شان را مشاهده کرد؛ مانند نحوه ریش علیرضا و چادر گلی. در کل سریال تنها نماز خواندن حسین آقا، گلی، علیرضا و دختران آن‌ها را می‌بینیم. همچنین نماهای نزدیک از چهره گلی که مسائل را با منطق و عدالت حل می‌کند و در هر شرایطی لبخند می‌زند، نشانه شخصیت کمال یافته او است. علیرضا نیز که محرم طرف‌های دعوا است، همه برای گرفتن نظر حق به او مراجعه کرده و به او اعتماد دارند نیز

مظهر عشق به خانواده، مرد کامل زندگی و انسانی عادل است. این سریال در کنار تمام آسیب‌های اجتماعی که با پدیده ایدز پیوند دارد، نمونه‌ای از خانواده ایده آل را به نمایش می‌گذارد که در تقابل ایمان/ بی‌ایمانی مجدداً معنای ایدز را بر ساخت کند. .

با توجه به تقابل‌های اصلی که توضیح داده شد، در ادامه دال‌های مرکزی هر یک از گفتمان‌های «طرد فرد اچ‌آی‌وی. مثبت» و «تبرئه فرد اچ‌آی‌وی. مثبت» و غیریت سازی آنها، با استناد به نشانه‌های موجود در سریال تشریح می‌شود.

گفتمان «طرد فرد اچ‌آی‌وی. مثبت»

نماینده این گفتمان در سریال تمام شخصیت‌هایی هستند که در مقابل فرد اچ‌آی‌وی. مثبت رفتاری طرد آمیز دارند. دال مرکزی این گفتمان «طرد از جامعه» است. «طرد» موقعیتی است که برای سوژه اچ‌آی‌وی. مثبت تعریف شده است. این داغ ننگ با ریشه‌های گناه آلود ابتلا به ویروس همراه است و از آنجا معنا می‌گیرد.

پیوند معنایی دیگر پدیده ایدز، با مرگ است. وقتی کیوان متوجه می‌شود که به ویروس مبتلا شده است، موقع سوار شدن بر موتور دیگر کلاه کاسکت بر سرش نمی‌گذارد. در واقع مرگ برای کیوان مهم نیست، چون از نظر کیوان او زیاد زنده نمی‌ماند. در دیالوگی او به پدرش می‌گوید: «چرا دارید دروغ می‌گویید. ایدز مگه درمان داره!». کیوان در موقعیت سوژگی این گفتمان قرار گرفته و می‌گوید: «مگه من چی کار کردم؟... من نمی‌خوام بمیرم». این گفتمان سوژه خودش را می‌سازد و فرد اچ‌آی‌وی. مثبت با قرار گرفتن در موقعیت طرد معنای بر ساخت شده گفتمان را تایید می‌کند. کیوان در سکansı به پریا می‌گوید: «من ایدز دارم و نمی‌دونم تا کی زنده می‌مونم. شوهر نمی‌شم برای تو. من حتی آدم هم نیستم... اون حرف‌ها و قول و قرارها مال وقتی بود که من سالم بودم». دوربین ثابت می‌ماند و کیوان عقب عقب به سمت اتاق می‌رود که نشانه جدای او از دیگران دارد. در سکansı دیگر کیوان با اشاره به شیوه‌های گناه آلود انتقال ویروس در پاسخ پدر که او را برای نماز صبح بیدار کرده است، می‌گوید: «نمی‌تونم نماز بخونم. من ایدز دارم». در واقع ایدز داشتن اینجا معادل با نجس بودن کیوان تلقی می‌شود. نجاستی که او نمی‌تواند از خود دور کند. این طرد و حذف در سطوح مختلف اجتماعی و از طرف افراد دیگر اتفاق می‌افتد. حتی برخی از پرسنل بیمارستان نیز از ایدز وحشت دارند. در بیمارستان، خانواده بیماران اصرار دارند که بیمارشان را از اتاقی که شهرام در آن بستری است خارج کنند. در سکansı دیگر وقتی کیوان از کارش اخراج می‌شود مدیر شرکت در توضیح این قضیه می‌گوید: «اینجا مشتری می‌آد و می‌ره و حساس هستند که کی اینجا کار می‌کنه».

این برخوردهای حذفی به خاطر داغ ننگ ابتلا به اچ‌آی‌وی. حتی در خانواده نیز اتفاق می‌افتد.

در این سریال مادر پریا که خاله کیوان است، بعد از ابتلا کیوان به اچ.آی.وی. رفتارش تغییر کرده و به علیرضا می‌گوید: «من دلم شور می‌زنه... من نمی‌تونم روزه شک دار بگیرم» و در نهایت وقتی گلی می‌گوید که این اتفاق می‌توانست برای پریا بیفتد، خاله با اشاره به نحوه مبتلا شدن کیوان می‌گوید: «پریا من هیچ وقت اهل این غلطها نبوده». کنش‌های مادر پریا در گفتمان حذف است و تلاش می‌کند پریا و کیوان از هم جدا شوند. او استدلال می‌کند که کیوان زندگی پریا را «تباه می‌کند» و عشق بین پریا و کیوان «مال قبل از این ماجرا» بوده است. او نهایت زندگی با کیوان را برای پریا اینگونه شرح می‌دهد: «خوش بینانه اش اینه که می‌شی یه پرستار بیست و چهار ساعته که هر روز باید شوهرش رو بیره دوا و دکتر...دائم هم باید دست و دلت بلرزه که مبدا این ویروس به عزیزانت سرایت کنه... زندگی با یه همچین آدمی که این مریضی را داره عین مصیبتنه». مادر پریا که آگاهی کاملی از روش‌های انتقال ویروس ندارد با رفتارش کیوان را آزار می‌دهد. او در لیوانی جداگانه برای کیوان چای میریزد و مراقب تماس‌های دست کیوان با وسایل خانه است و آن‌ها را ضد عفونی می‌کند.

حبیب نیز از این وضعیت استفاده می‌کند تا پریا را از حقش، برای دیدن بچه‌ها محروم کند. این وضعیت اجازه می‌دهد که جامعه بتواند فرد اچ.آی.وی. مثبت را کنترل کرده و فرصت‌های مدنی او را کاهش دهد. او به پریا می‌گوید: «اجازه نمی‌دم با جون بچه هام بازی کنی...» و در جایی دیگر می‌گوید: «پسره مریضه. اگه فردا بلایی سر بچه‌های من بیاد تو می‌آیی جواب من را می‌دی؟ من اجازه نمی‌دم بچه‌های من تو خانه ای رفت و آمد کنند که ناپدری شون ایدز داره..حالا چه غلطی کرده که این وامونده را گرفته». در سکانس‌های دیگر حبیب به خودش اجازه می‌دهد به کیوان توهین کند، از قبیل «مریض، عوضی، بچه مریض، بچه قرتی ایدزی» و یا «تو به چه حقی با این مریضی ات تو این شهر وول می‌خوری ... برو بیرون ویروس این جا را برداشت» و این توهین‌ها بر داغ ننگ ایدز متمرکز است. این طرد و حذف و داغ ننگ در سطح دیگر اطرافیان و خانواده فرد مبتلا را هم درگیر می‌کند. مدیر مدرسه سهیل برای پریا توضیح می‌دهد: «پدر و مادرها نگران می‌شوند برای بچه هاشون. می‌ترسن یه اتفاقی بیفته از طریق سهیل بقیه بچه‌ها هم در معرض خطر قرار بگیرند. می‌گویند دلمون نمی‌خواد بچه یه آدم ایدزی تو کلاس و مدرسه بچه مون باشه...».

وقته‌های این گفتمان به شرح زیر است:

- ۱- تاکید بر ریشه‌های گناه آلود انتقال ویروس
- ۲- ابتلا به ویروس مساوی مرگ
- ۳- ناامیدی
- ۴- نجس بودن فرد اچ.آی.وی. مثبت

- ۵- از دست دادن زندگی زناشویی
- ۶- شرم آور بودن ابتلا به ویروس
- ۷- تنهایی و طرد فرد اچ.آی.وی. مثبت
- ۸- از دست دادن شغل
- ۹- مجرم و هرزه بودن فرد اچ.آی.وی. مثبت
- ۱۰- زن خیابانی و ناسازگار عامل انتقال ویروس

همین وضعیت برای شهرام نیز در زندان و در سطحی دیگر اتفاق می‌افتد. شهرام را از سلول بیرون می‌اندازند و می‌گویند: «گم شو اینجا نبینیمت... تو که مریض بودی چرا اومدی اینجا...» و همه زندانی‌ها او را هو کرده و به سوی او دمپایی پرت می‌کنند. او استدلال می‌کند که از یک قاتل بدتر است و می‌گوید: «پس چطور قاتل‌ها و جانی‌ها تو زندون دارن راحت حبسشون را می‌کشن کسی هم کاری بهشون نداره، ...این مرض از قتل و جنایت هم بدتره». حتی پدر کیوان با این که پسر خودش به اچ.آی.وی. مبتلا است اما در مورد سایر افراد قضاوت کرده و بر نحوه ابتلا به ویروس تاکید می‌کند و به خانواده شهرام می‌گوید: «به شما نگفتن چه جوری ایدز گرفته و از کی گرفته؟». پدر شهرام که تا قبل از آن فکر می‌کرد شهرام به خاطر سرنگ آلوده و اعتیاد به این ویروس مبتلا شده، وقتی پی می‌برد که شهرام رابطه جنسی نامشروع داشته با عصبانیت به شهرام حمله ور می‌شود و می‌گوید: «کثافت هرزه ... آنقدر برات بنویسد که تا عمر دارم چشمم تو چشمش نیفته». در اینجا نیز تفاوت برخوردها با فرد اچ.آی.وی. مثبت به دلیل شیوه انتقال ویروس است و در نهایت پدر شهرام با تاکید بر داغ ننگ ناشی از ابتلا به ویروس تصمیم می‌گیرد که: «یه خانه برات می‌گیریم شهرهای اطراف و بدون اینکه فک و فامیل بفهه بره زندگی کنه ... تا ابد که نمی‌شه پنهانکاری کرد. شهر کوچیکه و بالاخره مردم می‌فهمن مشکل پسر آقا جلال چیه ...شصت سال بین مردم با آبرو و حیثیت زندگی کردم ...الان همه می‌خوان بگن چه هرزگی کرده که ایدز گرفته». در این گفت‌وگوها مبتلا به اچ.آی.وی. داغ ننگی است که فرد را از زندگی عادی خارج کرده است.

گفتمان «تبرئه فرد اچ.آی.وی. مثبت»

در این گفت‌وگوها بر آموزش مخاطبان و اطلاع رسانی در مورد اچ. آی. وی تاکید می‌شود؛ چرا که نداشتن آگاهی ریشه همه برخوردهای نامناسب جامعه با افراد اچ.آی.وی. مثبت است. در این گفت‌وگوها سعی می‌شود از طریق آموزش به خانواده و اطرافیان، از ابتلا به اچ.آی.وی. انگ زدایی شود.

در سکانسی گلی می‌گوید: «من تحقیق کردم ویروس ضعیفی هست و چند ساعت بیرون از بدن نمی‌تونه زنده بمونه» و یا در سکانسی وقتی علیرضا تعجب کرده که چرا آزمایش اول کیوان منفی بوده، مسئول آزمایشگاه توضیح می‌دهد: «منفی کاذب بوده... یعنی دو سه هفته بعدش معلوم می‌شود و در یک شرایطی شش ماه باید بگذرد که جواب معلوم بشه» و یا وقتی کیوان به یک مرکز مشاوره افراد اچ. آی. وی. مراجعه می‌کند یکی از آنان توضیح می‌دهد: «مبتلا به اچ. آی. وی. با ایدز فرق دارد. اچ. آی. وی. می‌تواند منتقل کند؛ اما ایدز مرحله آخر این بیماری هست». در سکانسی که مادر پریا نگران است کیوان، پریا را «آلوده» کند، پریا به مادرش توضیح می‌دهد که: «روبوسی کردن، دست دادن، ظرف غذا، لیوان این‌ها هیچکدام خطری نداره... آلوده چیه! کیوان فقط مبتلا شده و اگر درمانش را پیگیری کنه می‌تونه مثل یه آدم عادی زندگی کنه... چرا این را می‌گی کلمه زشتی هست». همچنین انجام آزمایش اچ. آی. وی. تشویق شده، در سکانسی علیرضا می‌گوید: «به نظر من آدم‌ها خودشون باید به این درک برسند که برن این آزمایش را بدن».

در این گفتمان اطرافیان فرد اچ. آی. وی. مثبت تنها با مراجعه به پزشک و مشاور است که می‌توانند برخورد عقلانی داشته باشند و کلیشه‌های ذهنی خود را کنار بگذارند. پریا بعد از مراجعه به پزشک است که تصمیم نهایی اش را می‌گیرد تا در کنار کیوان بماند. در این گفتمان تاکید می‌شود که ابتلا به اچ. آی. وی. به معنای مرگ زود هنگام و قطعی نیست و می‌شود با درمان مناسب زندگی طولانی داشت. همچنین بر حمایت عاطفی و روحی خانواده و نقش اطرافیان تاکید می‌شود. در سکانسی گلی که خاطرات افراد اچ. آی. وی. مثبت را در اینترنت می‌خواند به علیرضا می‌گوید: «همه شون از تنها موندن و حمایت نکردن اطرافیانشون ناراحتن». سپس قسمتی از یک خاطره را می‌خواند که: «می‌خواهم بگویم آنچه ما را از پا در آورد ایدز نبود، ایدز هم چیزی است شبیه بیماری‌های دیگر. آنچه من را از پای در آورد رفتار آدم‌های دور و بر بود» و در سکانسی دیگر گلی می‌گوید: «باید برش گردونیم به زندگی عادی. باید امیدوار باشه تا بتونه کنار بیاد... باید بفهمه برای ما همون کیوان قبلی هست. یه جور دیگه نگاهش نمی‌کنیم. نباید احساس تنهایی کنه. نباید فکر کنه تو این ماجرا داره همه چیزش را از دست می‌ده».

وقته‌های این گفتمان به شرح زیر است:

- ۱- عدم قضاوت در مورد شیوه انتقال ویروس
- ۲- درمان پذیر بودن
- ۳- امیدواری به ادامه زندگی
- ۴- امکان پذیر بودن زندگی زناشویی و داشتن فرزند

- ۵- عدم تمایز ایدز از سایر بیماری‌ها
- ۶- پذیرش فرد اچ.آی.وی. مثبت در خانواده و جامعه
- ۷- تاکید بر ویژگی‌های مثبت فرد اچ.آی.وی. مثبت
- ۸- تاکید بر آموزش و آگاهی دادن به جامعه
- ۹- زن فداکار و همراه عامل نجات فرد اچ.آی.وی. مثبت

در این گفتمان فرد اچ. آی. وی مثبت انسانی است خاکستری نه سیاه. او با تمام اشکالاتی که داشته و دارد می‌تواند مانند همه انسان‌های دیگر و یا حتی بیش از آن‌ها گذشت و فداکاری داشته باشد. در سکansı که شهرام را با چند زندانی دیگر به دادسرا می‌برند، زندانیان از اینکه با شهرام در یک ماشین هستند نگران شده اند، اما آن‌ها هستند که خطرناک بوده، نقشه کشیده و منجر به مرگ سربازها می‌شوند و اتفاقاً شهرام کسی است که سربازان را به بیمارستان می‌رساند و آن‌ها را از مرگ نجات می‌دهد.

در سکansı دیگر وقتی حبیب در قمار بدهکار می‌شود و قماربازها او را تهدید می‌کنند، در عمل کسی که سلامت جانی بچه‌ها را به خطر انداخته نه کیوان که اچ. آی. وی. مثبت است، بلکه حبیب است و در نهایت کیوان است که جان سهیل را نجات می‌دهد. در تمام این سکانس‌ها بر این نکته تاکید می‌شود که برخی افراد برای سلامت جامعه خطرناک هستند، اما آن‌ها زندگی عادی شان را دارند و از طرف جامعه طرد نمی‌شوند. حبیب با این که قمار باز است، اما دادگاه حضانت بچه‌ها را به او داده و اتفاقاً عملکرد اوست که بچه‌ها را تهدید می‌کند. بهروز که میزبان اکس پارتنی بوده یا فرشید که کیوان را به آن مهمانی برده است به این ویروس مبتلا نشده اند. پس لزوماً نمی‌توان بر حسب شاخص ابتلا به اچ.آی.وی. در مورد افراد قضاوت کرد.

نتیجه گیری

در این سریال دو گفتمان «طرد» و «تبرئه» با هم تقابل دارند. این تقابل در نحوه تعاملات شخصیت‌های مختلف سریال با افراد اچ.آی.وی. مثبت تجلی می‌کند. کیوان به عنوان نماد شخصی که بر حسب یک تصادف به اچ.آی.وی. مبتلا شده یا به قول دوستش «بچه پاستوریزه» بوده و تنها یک بار به مهمانی رفته و شهرام به عنوان کسی که به علت بی بند و باری جنسی مبتلا شده هر دو در نهایت داغ ننگ خورده و طرد و حذف را تجربه می‌کنند. اما در مقابل گفتمان طرد، گفتمان تبرئه وجود دارد که بیماری‌های مرتبط با ایدز را از دیگر بیماری‌ها متمایز نمی‌کند؛ به خصوص اگر ابتلا به آن به دلیل انجام گناه نباشد و فرد اچ.آی.وی. مثبت

تبرئه شود. تقابلی که در رفتار اطرافیان نسبت به پدیده ایدز وجود دارد در واقع ارزش‌های هر گفتمان را نمایندگی می‌کند. این تقابل‌ها در سایر سطوح نیز دیده می‌شود. در گفتمان «طرد»، فرد اچ‌آی‌وی. مثبت مورد نفرت واقع شده و فرصت‌های زیستی اش کاهش می‌یابد، در حالی که در گفتمان «تبرئه»، یاری رساندن به فرد اچ‌آی‌وی. مثبت برای کنار آمدن با وضعیتش، محور تعامل با اطرافیان است. مبنای وضعیت تقابلی بین این دو گفتمان عدم آگاهی جامعه از اچ‌آی‌وی و داغ ننگی است که از درون این عدم آگاهی شکل می‌گیرد. به این دلیل است که شخصیت‌های سریال در وضعیت‌هایی که دچار سردرگمی می‌شوند، برای اینکه پایشان به سمت گفتمان «طرد» و حذف نلغزد، از مشاور و پزشک کمک می‌گیرند. این دو گفتمان بر پایه آگاهی افراد و میزان هراس اجتماعی آنها از داغ ننگ پدیده ایدز شکل می‌گیرد. همین نقطه است که امکان قضاوت ارزشی در مورد فرد اچ‌آی‌وی. مثبت را به جامعه داده، معنای آن را برساخت کرده و با پیوند زدن ابتلا به ایدز با انواع انحرافات اجتماعی امکان حذف و راهم می‌کند. شناسایی دو گفتمان در این فیلم نشان می‌دهد که رقابت بر سر تثبیت معنای پدیده ایدز وجود دارد. تقابل بین دو گفتمان در این سریال، تقابل بین خودی‌های بهنجار و غیر خودی‌های بیمار را شکل داده و از همین طریق غیریت سازی می‌کند. اما گفتمان «تبرئه» فرد اچ‌آی‌وی. مثبت، مرز بین خودی و غیر خودی را شکسته و بارها تاکید می‌کند که این «اتفاق» می‌توانست برای هر کدام از ما رخ دهد. هر چقدر گفتمان «طرد» بر ریشه‌های گناه آلود انتقال و پیروس تاکید دارد، در مقابل گفتمان «تبرئه» نحوه آلوده شدن را نادیده گرفته و تاکید می‌کند که «به ما ربطی ندارد».

در این سریال گفتمان مسلط، «تبرئه فرد اچ‌آی‌وی. مثبت» است؛ زیرا تلاش شده از ابتلا به اچ‌آی‌وی. انگ زدایی کند. اوج این تثبیت معنا را می‌توان در موفقیت کیوان و پریا برای ادامه زندگی زناشویی مشاهده کرد. در این سریال از زخم‌های کزیه بیماران در مرحله ایدز خبری نیست. سریال تا حدودی به زندگی فرد اچ‌آی‌وی. مثبت نزدیک شده، تعاملات اجتماعی با این افراد، دردها و رنج‌ها، غم‌ها و شادی‌هایشان را نمایش می‌دهد. تا قبل از این سریال شخصیت افراد اچ‌آی‌وی. مثبت در هاله‌ای از راز پنهان بود و به طور مستقیم از اچ‌آی‌وی. صحبتی به میان نمی‌آمد.

اما نکته قابل تامل در این سریال تاکید آن بر عوامل خرد برای تبیین آسیب‌های اجتماعی است. در واقع پدیده ایدز در پارادایم ریسک رفتاری برساخت می‌شود و مسئولیت ابتلا به ویروس به عهده فرد و رفتارهای پرخطر او نهاده شده است. علت اعتیاد، روابط جنسی نامشروع، شرکت در مهمانی اکس و ... در ابتدا همسر و سپس والدین فرد شناخته می‌شوند. در این سریال نقش عوامل کلان اجتماعی در ایجاد و گسترش آسیب‌های اجتماعی نادیده گرفته شده

و حتی در مواردی به عمد بر عوامل خرد تاکید می‌شود؛ مانند پرسشهایی که همراه با پخش سریال برای مخاطبان برنامه مطرح می‌شود. این نکته به نوعی از سر باز کردن مشکلات اجتماعی و واگذارن آن‌ها به نهاد خانواده به خصوص والدین و همسران است. در واقع پارادایم برساخت گرایی رادیکال که نقش ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی را در ابتلا به اچ.آی.وی. تبیین می‌کند، نادیده گرفته می‌شود. این برساخت معنایی در پارادایم ریسک رفتاری مشخص نمی‌کند که عاقبت فرد اچ.آی.وی. مثبتی که از کار اخراج شده و برخلاف کیوان منبع درآمدی مانند مغازه پدری ندارد، چیست؟ در صورتی که یکی از مشکلات اصلی این افراد محرومیت‌های مادی است. به نظر می‌رسد این سریال هر چند گام مهمی در انگ زدایی از پدیده ایدز و به چالش کشیدن گفتمان «طرد» و حذف داشته، اما همچنان با پر رنگ کردن عوامل سطح خرد مغلوب گفتمان قدرت است و این نوع برساخت از پدیده ایدز هر چند در سطحی تلاش می‌کند از بیماری انگ زدایی کند، اما در سطحی دیگر داغ ننگ آن را تقویت می‌کند.

در این سریال داغ ننگ پدیده ایدز موجب شده خود پنداره کیوان آنچنان ضایع شود که خودش را «نجس» بداند. در واقع فرد به عنوان سوژه فراخوانده شده گفتمان «طرد»، در موقعیت‌هایی قرار می‌گیرد که معنای برساخت شده در گفتمان، زندگی اش را تعریف کرده و هویتش را شکل می‌دهد. کیوان وقتی سوژه گفتمان «طرد» می‌شود، با پذیرش داغ ننگ و قرار گرفتن در موقعیت‌های نا امید، فرار از خانه، نفرت از خود، شرم از دیگران، در نهایت به موقعیت خودکشی می‌رسد. اما در مقابل وقتی گفتمان «تبرئه» در تقابل با گفتمان «طرد»، سوژه را فرا می‌خواند، کیوان در چالش با داغ ننگ ابتلا به اچ.آی.وی. در موقعیت‌های امید، تلاش برای زنده ماندن و یاری رساندن به دیگران قرار می‌گیرد.

البته باید در نظر گرفت که سریال «پریا» برای پخش در تلویزیون تولید شده است و لازم است به ویژگی‌های ساختاری تلویزیون در جامعه ایران نیز اشاره کرد. در واقع تولیدات تلویزیون ایران را باید با توجه به انحصاری بودن آن در دست دولت تبیین کرد. تلویزیون از ابزار قدرت و رسانه او به حساب می‌آید. بنابراین نقد ساختارهای اجتماعی به معنای نقد خود قدرت است که تولیدات تلویزیونی را هم در بر می‌گیرد. بنابراین لازم است، طبقه حاکم و سیاستگذاران نقش ساختارها را در شکل گیری آسیب‌های اجتماعی به رسمیت بشناسند. در این صورت است که امکان اندیشه برای حل، یا کاهش این آسیب‌ها فراهم می‌شود.

منابع

- الوندی، پدram (۱۳۸۶). *اصول گزارشگری ایدز؛ مبانی نظری و راهکارهای عملی*. نشریه علمی - ترویجی رسانه، شماره ۷۲.
- راندال، دیوید (۱۳۸۲). *روزنامه نگاری حرفه ای*، ترجمه علی اکبر قاضی زاده، تهران، انتشارات روزنامه ایران.
- عزتی، نایله (۱۳۹۰). *تعیین و مقایسه میزان تاثیر روش‌های مختلف آموزش در مورد بیماری ایدز، فصلنامه زن و مطالعات خانواده*، شماره ۱۲.
- قاضی طباطبایی، محمود و پاولاک، دروتی و ودادهر، ابوعلی (۱۳۸۵). *برساخت یک مساله اجتماعی - جمعیتی: درآمدی بر جمعیت شناسی اجتماعی - انتقادی اچ.آی.وی.* / ایدز در ایران. نامه انجمن جمعیت شناسی ایران. شماره ۲.
- مدنی قهفرخی، سعید (۱۳۹۵). *جامعه شناسی روسپیگری*، تهران، نشر پارسه.
- مسعود نیا، ابراهیم (۱۳۸۹). *جامعه شناسی پزشکی*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ملا اسمعیل شیرازی، نازلی و نوربخش، سید مرتضی و محرز، مینو (۱۳۹۱). *پیامدهای داغ ننگ و برجسب در زنان مبتلا به اچ.آی.وی.* مثبت: یک مطالعه کیفی. فصلنامه اخلاق زیستی. سال دوم، شماره ۵.
- هوارث، دیوید (۱۳۷۹). *نظریه گفتمان*. ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی. تهران: فرهنگ گفتمان.
- یورگنسن، ماریان و فیلیپس، لوئیز (۱۳۹۱). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی
- Bertand, J.T (2006). *Systematic review of the effectiveness of mass communication programs to change HIV/AIDS- related behaviors in developing countries*. Health Education R research, 21(4)
- Qualtere-Burcher, P(2011). *Re-thinking the doctor-patient relationship: a physician's philosophical perspective*, a doctoral dissertation, University of Oregon.